

گزیده‌هایی از آثار بهائی در زمینه

# معنای رنج

و

# سرّ فدا

به کوشش: جودیت هچر

برگردان به فارسی: جامعه بهائی ایران

إِنَّ اللَّهَ مَا كَلَّفَ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا

حضرت بهاء‌الله، مجموعه الواح، ص ۲۱۴

## فهرست مطالب "معنای رنج"

۴	الف - تناقضات آشکار
۴	۱- خداوند خیر محض است؛ عمومیت رنج و درد
۵	۲- همراه بودن شادمانی و رنج در دنیای مادی
۶	ب - انواع گوناگون رنج
۶	۱- رنجهای تحمیلی ستمگران بر بی گناهان
۶	۲- رنجهایی که برای دیگران و خودمان ایجاد می کنیم
۶	۳- رنج هایی که خداوند برای احبای خود می فرستد
۷	۴- رنج های مظاهر ظهور الهی
۸	ج - هدف از امتحانات
۸	۱- حصول آمادگی برای عالم روحانی
۹	۲- فرایند رشد روحانی
۹	۳- سنت الهی
۱۰	۴- اصل جدایی و تمایز
۱۱	۵- فرایند تطهیر عالم انسانی
۱۲	د - طرق تأثیر امتحانات در رشد روحانی ما
۱۲	۱- به یاد داشتن خداوند و کشف قوه دعا
۱۲	۲- انقطاع از عالم مادی
۱۳	۳- غلبه بر نفس پرستی

- ۱۴ -۴- بخشیدن خود و دیگران
- ۱۴ -۵- همدلی واقعی با دیگران
- ۱۵ -۶- ایثار و فداکاری
- ۱۵ -۷- صبر در مشکلات
- ۱۶ -۸- پذیرفتن محدودیت ادراک خویش
- ۱۷ -۹- تسلیم در مقابل اراده الهی
- ۱۷ -۱۰- رضایت حقیقی

ه - وعود و تضمین هایی که در آثار بهائی یافت می شود

- ۱۸ -۱- دیدگاه ما فوق العاده نسبی است
- ۱۸ -۲- خداوند وفادار، مهربان، شفیق و رحیم است
- ۱۹ -۳- سبقت رحمت الهی بر عدالت او
- ۱۹ -۴- خداوند فوق طاقت ما امتحان نمی کند
- ۲۰ -۵- روح از بیماری های جسمی و روحی متأثر نیست
- ۲۰ -۶- دعا قوه واقعی است، گو این که مشاهده نمی شود
- ۲۱ -۷- امتحانات فقط در عالم مادی هستند
- ۲۱ -۸- دلایل رنج های ما در عالم بعد معلوم می شود
- ۲۲ -۹- حتی در این جهان از منافع امتحانات بهره می بریم
- ۲۲ -۱۰- پذیرفتن اراده الهی به سعادت حقیقی منجر می شود

## الف - تناقضات آشکار

یا ابن الإنسان بلائی عنایتی ظاهره نارٌ و نِقْمَةٌ و باطنه نورٌ و رحمةٌ. (کلمات مکنونه عربی، شماره ۵۱)<sup>۱</sup>

تَاللّٰهِ كُلُّ شَعْرٍ مِّنْ اَشْعَارِيْ يَقُوْلُ لَوْلَا الْبَلَايَا فِى سَبِيْلِكَ مَا لَدَّ لِيْ حُبُّكَ و عِشْقُكَ. (مناجاة، ص ۱۴۴)<sup>۲</sup>

اِنِّىْ فَوْعَزْتِكَ اِحْبُ ضُرِّىْ و ضُرَّ اِحْبَائِيْ فِى سَبِيْلِكَ. (مناجاة، ص ۹۷)<sup>۳</sup>

آنچه واقع شود خیر است؛ زیرا بلا عین عطا است و زحمت، حقیقت رحمت؛ و پریشانی، جمعیت خاطر است و جانفشانی، موهبت باهر. آنچه واقع شود فضل حضرت یزدانی است. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۲۳۷)

اِذَا فَاشْكُرَّ اللّٰهُ بِمَا اٰتٰكَ عَلَى اَمْرِهِ و اَنْبَتَ فِى رِيَاضِ قَلْبِكَ سِنْبَلَاتِ الْعِلْمِ و الْحِكْمَةِ و كَذَلِكَ كَانَ فَضْلُهُ عَلَيْكَ و عَلَى الْعَالَمِيْنَ مَسْبُوْقًا. اِيَّاكَ اَنْ لَا يَحْزَنَكَ شَيْءٌ عَمَّا خُلِقَ بَيْنَ الْاَرْضِ و السَّمَاوَاتِ (منتخباتی از آثار، ص ۱۹۴)<sup>۴</sup>

در صورتی که تعالیم مبارکه را به صورت یک مجموعه کلی بزرگ با وجوه بسیار در نظر مجسم سازید، بسیاری از مسائل دشواری که ذهن شما را به خود مشغول می‌سازد، از بین خواهد رفت. حقیقت، که موضوعات گوناگونی را در بر می‌گیرد، در ظاهر متناقض است، اما تفکر را تا انتهی ادامه دهید، تمام موضوعات را منتهی به حقیقتی واحد مشاهده خواهید کرد. (ترجمه بیان حضرت ولی امرالله؛ انوار هدایت، شماره ۱۵۷۱ و ۲۰۵۰)

### ۱- خداوند خیر محض است؛ عمومیت درد و رنج

آیا می‌دانید چقدر باید خداوند را به خاطر مواهبش شاکر باشید؟ اگر در هر دم هزار بار شکر او گویند، کفایت نخواهد کرد، چه که خداوند شما را آفرید و تربیت کرد. (ترجمه؛ خطابه ۱۲ ژوئن ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء)

<sup>۱</sup> مضمون به فارسی: بلائی که از جانب من نازل می‌شود عنایت من است؛ اگرچه ظاهر آن آتش است و ناراحتی اما باطن آن روشنی است و آسایش.

<sup>۲</sup> مضمون به فارسی چنین است: هر موی سرم فریاد می‌زند، "اگر نزول بلا یا در سبیل تو نباشد، حلاوت شفقت و محبت تو را چگونه دریابم؟"

<sup>۳</sup> مضمون به فارسی چنین است: مسرور از بلاهای خویشتنم و بلاهایی که احبایم در راه تو تحمل می‌کنند.

<sup>۴</sup> مضمون به فارسی چنین است: پس شکر کن خدای را که تو را تأیید فرمود بر امرش و رویاند در باغ دلت گل‌های علم و حکمت و اینچنین فضلش بر تو و جهانیان پیشی گرفت. مبادا از آنجا که آفریده شده بین زمین و آسمان محزون گردی.

لم یزل جود سلطان وجود بر همه ممکنات به ظهور مظاهر نفس خود احاطه فرموده و آنی نیست که فیض او منقطع شود و یا آن که امطار رحمت از غمام عنایت او ممنوع گردد. (ایقان، ص ۱۱)

این دنیا تنگ و تاریک و وحشت‌انگیز است؛ نه آسایشی تصور توان کرد و نه سعادت حقیقی در آن موجود. جمیع در دام احزان مبتلا و شب و روز در زنجیر بلایا گرفتار؛ احدی نیست که از غموم و بلیه خلاصی یابد یا آسایش جوید. (ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء؛ صفحه ۲۶۳ جلد دوم *Tablets of Abdu'l-Baha*)

این خاکدان فانی چنین است؛ مخزن آلام و محن است؛ غفلت است که انسان را نگه می‌دارد. والا هیچ نفسی در این عالم راحت نیست؛ از ملوک گرفته تا به مملوک برسد. آگریک جام شیرین دهد، در عقب صد جام تلخ دارد. این است شأن این دنیا. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۹۵)

## ۲- همراه بودن شادمانی و رنج در دنیای مادی

جمیع بشر همیشه مورد دو احساس هستند. یکی احساس سرور؛ دیگری احساس حزن. وقت سرور روح انسان در پرواز است؛ جمیع قوای انسان قوت می‌گیرد و قوه فکریه زیاد می‌شود؛ قوه ادراک شدید می‌گردد؛ قوت عقل در جمیع مراتب ترقی می‌نماید و احاطه به حقائق اشیاء می‌کند. اما وقتی که حزن بر انسان مستولی می‌شود، مخمود می‌شود؛ جمیع قوا ضعیف می‌گردد؛ ادراک کم می‌شود؛ تفکر نمی‌ماند؛ تدقیق در حقایق اشیاء نمی‌تواند؛ خواص اشیاء را کشف نمی‌کند؛ مثل مرده می‌شود. این دو احساس شامل جمیع عموم بشر است. از روح برای انسان حزن حاصل نمی‌شود و از عقل انسان زحمت و ملالی رخ نمی‌دهد. یعنی قوای روحانیه سبب مشقت و کدورت انسان نمی‌گردد. اگر حزن از برای انسان حاصل شود، از مادیات است. اگر از برای انسان خمودت و جمودتی حاصل شود، از مادیات است. (خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۹۷ / ج ۳، ص ۱۴۶)

اگر شرایط و اوضاع طاقت‌فرسا است و مشکلات از جمیع جهات مهاجم، محزون مباش. خداوند حزن را به سرور، شدت را به رخا، ابتلا را به راحت و آسایش مبدل می‌سازد. (ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۹۰ *Divine Art of Living*، نشر ۱۹۸۶ / ص ۳۱۱ جلد دوم *Tablets of Abdu'l-Baha*)

انبیاء الهی برای ایجاد مسرت در این عالم ظاهر می‌شوند؛ چه که این کرهٔ ارض محاط به بلایا و آلام است و رسالت اعظم قوم دور کردن نفوس انسانی از اضطرابات عالم بشری و القاء مسرت ابدی در حیات آنها است. (ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در ص ۶۹ *Divine Philosophy*)

## ب - انواع گوناگون رنج

### ۱- رنج‌های تحمیلی ستمگران بر بی‌گناهان

و اما کیفیت اطفال صغیره و نفوس ضعیفه که در دست ظالمین گرفتارند ... از برای این نفوس در عالم دیگر مکافات عظیمه است ... این نفوس را این صدمات سبب رحمت پروردگار گردد و موهبت کردگار که بهتر از صد هزار راحت دنیا و نشو و نما در این دار فانی دنیا است. (بهاءالله و عصر جدید، ص ۱۱۲)

این وقایع به جهت آن واقع می‌شود که ایمان انسان از دیاد یابد و تقویت گردد. لهذا، اگر احساس حزن و یأس می‌کنیم، باید از خدا بخواهیم که قلوب ما را به ملکوت متوجه سازد و در کمال ایمان به رحمت لایتناهی الهی برای این نفوس متصاعده دعا کنیم تا اگرچه از این حیات عنصری محروم شده‌اند، از وجودی جدید در قصور عالیة آب سماوی بهره و نصیب بزنند. (ترجمه - خطابه ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء)

### ۲- رنج‌هایی که برای دیگران و خودمان ایجاد می‌کنیم

اگر فردی در خوردن افراط نماید به دستگاه هاضمه آسیب وارد کند؛ اگر سم میل کند بیمار شود یا وفات کند. اگر شخصی قمار کند مالش را از دست بدهد؛ اگر در شرب مسکرات افراط نماید تعادل خود را از دست بدهد. جمیع این آلام و رجها ناشی از خود انسان است؛ لذا، مبرهن است که بعضی از احزان نتیجهٔ اعمال خود ما است. (ترجمه - خطابه ۲۷ اکتبر مندرج در ص ۴۹ *Paris Talks*)

### ۳- رنج‌هایی که خداوند برای احبای خود می‌فرستد

بعضی از آلام بر احبای الهی نازل می‌شود. مثلاً آلام و رنجهایی را که مسیح و حواریون تحمّل کردند ملاحظه نمایید. نفوسی که بیشتر در معرض آلام قرار گیرند، به مدارج عالی تری از کمال واصل می‌شوند. نفوسی که اظهار می‌نمایند در سبیل حضرت مسیح متحمّل رنج و درد شوند، خلوص خود را ثابت می‌کنند؛ کسانی که

اشتیاق به ایثار عظیم دارند فقط با اعمال می‌توانند حقیقت وجود خویش را ثابت کنند. ایوب با حفظ ایمانش در نهایت شدت فلاکت ظاهری و نیز در حین ثروت و مکتبی که در ایام حیات داشت، وفاداری خود به عشق الهی را ثابت کرد. (ترجمه - خطابه ۲۷ اکتبر مندرج در صفحه ۴۲ Paris Talks)

... فارض بما قضی الله لك وانه لموفی أجور الصّابرين. أمارأیت سجنی و بلائی و ضرّی و ابتلائی؟ أن اتّبع سنن ربك وإن من سننه ابتلاء عباده الأخیار. (بیان حضرت بهاءالله در بهجت الصدور، ص ۸۹)<sup>۵</sup>

#### ۴- رنج‌های مظاهر ظهور الهی

مصائب، از هر نوع که باشد، به نظر می‌رسد بخشی از انسان در این جهان است. حتی، نفوس محبوب خداوند، یعنی انبیاء الهی، ابداً از امراضی که در دنیای ما مشهود است، معاف نبوده‌اند... (ترجمه - مکتوب ۳ مارس ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء)

اگر خود آنها (مریبان الهی) در معرض انواع و اقسام مصائب و آلامی که سایر نفوس بشری به آن مبتلایند قرار نمی‌گرفتند چگونه می‌توانستند به تربیت و هدایت سایرین پردازند؟ (بیان منسوب به حضرت عبدالهه، مندرج در خاطرات خانم اتل روزنبرگ)<sup>۶</sup>

همیشه باید به خاطر داشته باشید که مظاهر ظهور الهی، بنفسهم، از اکثر آلام و مصائب طبیعت بشری مصون نبودند؛ آنها از دست منسوبین خود، تلخ‌ترین شربت‌ها را نوشیدند؛ حتی حضرت بهاءالله از دست نابرداری خود، میرزا یحیی، زهر نوشیدند. اما، بلاهای ما هر قدر برایمان دردناک باشند، در مقایسه با مصائب آنها باید جزئی و ناچیز مشاهده شود. (ترجمه بیان ۱۰ فوریه ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امرالله، مندرج در صفحه ۴۶۰ *Unfolding* (Destiny))

<sup>۵</sup> مضمون به فارسی: پس راضی باش به آنچه که خداوند برای تو مقدر فرموده و به درستی که او اجر صابری را ادا می‌فرماید. آیا سجن و بلا و رنج و ابتلای مرا ندیدی؟ از سنت‌های پروردگارت پیروی کن و از جمله سنت‌های او گرفتاری بندگان نیکوی او در بلاها است.

<sup>۶</sup> توضیح مترجم: نویسنده این بیان را از صفحه ۱۹ *Spiritual Survival* (طبع ۱۹۹۸) نقل کرده است. اما اصل آن در خاطرات خانم روزنبرگ یافت شد. برای ملاحظه متن این خاطرات به <http://bahai-library.com/pilgrims/rosenberg.html> مراجعه شود.

صبحی نبود که سراز بالین برآورم و صفوف بلایای لاتحصی را پیش باب خویش مهاجم نبینم و شبی نبود که سر بر بستر گذارم و از شدت ظلم اعداء قلبم را شرحه شرحه نیابم.<sup>۶</sup> هر قطعه نانی که جمال قدم قصد کند که میل نماید با هجوم ابتلائات جدیده همراه است و هر قطره آبی که بنوشد با تلخی شدیدترین بلاها توأم است. هر قدمی که برمی دارد جنود بلاهای لایری از او سبقت گیرند و جیوش احزان و آلام در تعقیبش شتابان. (نقل ترجمه بیان حضرت بهاءالله از صفحه ۱۷۰ "زر و آتش" - اصل این بیان که باید در شماره ۶۲ منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ذکر شود، هنوز یافت نشده است.)<sup>۸</sup>

سبحانک اللهم یا الهی تری فقری و افتقاری و ضری و اضطراری و عجزی و انکساری و ندبته و بُکائی و حزنی و ابتلائی. (مناجاة، ص ۹۶)<sup>۹</sup>

## ج - مقصود از امتحانات

### ۱- حصول آمادگی برای عالم روحانی

انبیاء و مرسلین محض هدایت خلق به صراط مستقیم حق آمده‌اند و مقصود آن که عباد تربیت شوند تا در حین صعود با کمال تقدیس و تنزیه و انقطاع قصد رفیق اعلی نمایند. (مجموعه الواح مبارکه، ص ۱۶۴ / مجموعه اشراقات، ص ۲۱۶)

وجود عنصری انسان بر وجه ارض دورانی است که در طی آن، کاربرد اختیار و اراده آزادش از لحاظ اخلاقی به امتحان و محک گذاشته می‌شود تا روح او برای سایر عوالم الهی آماده گردد، و ما باید از مصائب و ابتلائات به عنوان فرصت‌هایی جهت ارتقاء نفس ابدی خویش استقبال نماییم. (ترجمه مکتوب ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۰ که از طرف بیت‌العدل اعظم نوشته شده است / انوار هدایت، شماره ۱۲۲۸)

پس بدان که حق را عوالم غیبی هست که افکار انسانی از ادراکش عاجز است و عقول بشری از تصوّرش قاصر. چون مشام روحانی را از هر رطوبت امکانی پاک و مطهر فرمایی، نفحات قدس حدائق رحمانیه آن عوالم به مشام رسد. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۸۱)

<sup>۶</sup> نقل ترجمه بیان مبارک تا این قسمت از صفحه ۱۱۸ نظم جهانی بهائی

<sup>۸</sup> ترجمه دیگری از این بیان در صفحه ۱۷ توفیق مبارک "قد ظهر یوم المیعاد" درج شده است - م

<sup>۹</sup> مضمون به فارسی چنین است: مقدسی توای خدای من؛ می‌بینی نیازمندی و فقر مرا و لطماتی که بر من وارد شد و درماندگی و ضعف و ناتوانی و ناله و گریه مرا و اندوه و گرفتاری ام را.



## ۲- فرایند رشد روحانی

امتحانات عنایات الهیه‌اند که باید خداوند را به جهت آن حمد و ثنا گوئیم. ما تصادفاً به هموم و غموم مبتلا نمی‌شویم، بلکه رحمت الهی آنها را برای ما نازل می‌فرماید تا به کمال برسیم. (ترجمه - خطابه مبارک مندرج در صفحه ۵۰ Paris Talks)

انسان وقتی با آلام و رنجها امتحان می‌شود، روح و روان او ترقی می‌کند... آلام و امتحانات انسان را از امور جزئیة این زندگی دنیوی خلاصی می‌بخشد تا به انقطاع کامل نائل شود؛ نظر و نگاه او در این دنیا عبارت از سعادت سماویه گردد. انسان ناقص است؛ به بلوغ نرسیده؛ حرارت آتش رنجها او را به بلوغ می‌رساند. (ترجمه - خطابه مبارک مندرج در ص ۱۷۸ Paris Talks)

اگر انسان آلام و اوجاع را قبول نکند و در معرض امتحانات واقع نشود و ناملايمات را متحمل نگردد، نتیجه‌ای عاید نگردد و به توفیق و سعادت نائل نشود. لهذا، تو هم باید امتحانات عظیمه را متحمل گردی تا فیوضات لایتناهی الهی محیط گردد و در انتشار نفعات الله مؤید گردی. (ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء در نجم باختر، سال هشتم، شماره ۱۹، ص ۲۴۰)

لَأَجْرُكَ مِنَ الْبَلَايَا فِي سَبِيلِهِ وَلَا عَنِ الرِّزَايَا فِي حُبِّهِ وَرِضَائِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ الْبَلَاءَ غَايَةً لِهَذِهِ الدَّسْكَرَةِ الْخَضْرَاءِ وَدُبَالَةً لِمَصْبَاحِهِ الَّذِي بِهِ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ. (لوح سلطان؛ الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۱۹۱)<sup>۱۰</sup>

## ۳- سنّت الهی

فاعلموا بأنّ البَلَايَا والمحن لم يزل كانت موكّلةً لأصفياء الله وحبائه ثمّ لعباده المنقطعين الذين لأئلهيهم التّجارة و لا بيع عن ذكر الله ولا يسبقونه بالقول وهم بأمره لمنّ العاملين. كذلك جرت سنّة الله من قبل ويجرى من بعد فطوبى

---

<sup>۱۰</sup> مضمون کلام مبارک به فارسی چنین است: از بلايا در راه او هرگز نالم و از سختی های در راه محبت و خشنودی اش هرگز شکایتی نکنم. خداوند بلا را بارانی از برای این مزرعة سرسبز و خرم قرار داد و فتيله ای برای چراغش که آسمانها و زمین را روشنی بخشید.

لِلصَّابِرِينَ الَّذِينَ يَصْبِرُونَ فِي الْبِأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَ لَنْ يَجْزِعُوا مِنْ شَيْءٍ وَ كَانُوا عَلَىٰ مَنَاجِحِ الصَّبْرِ لِمَنِ السَّالِكِينَ...  
(سورة الملوک؛ الواح نازلہ خطاب بہ ملوک و رؤسای ارض، ص ۲۸)<sup>۱۱</sup>

امتحانات الهیہ همیشه در مابین عباد او بوده و خواهد بود تا نور از ظلمت و صدق از کذب و حق از باطل و هدایت از ضلالت و سعادت از شقاوت و خارا از گُل ممتاز و معلوم شود. (ایقان، ص ۷) ژ

#### ۴- اصل جدایی و تمایز

... وَأُوَدِّعَ فِي كُلِّ نَفْسٍ مَا يَعْرِفُ بِهِ آثَارَ اللَّهِ... (لوح اشرف، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۱۳)<sup>۱۲</sup>

آن سماء حقیقت قادر و مقتدر است که جمیع ناس را از شمال بُعد و هوی به یمین قُرب و لقا رساند ... ولکن مقصود صعود انفس طیبه و جواهر مجردہ است کہ بہ فطرت اصلیه خود بہ شاطی بحر اعظم وارد شوند تا طالبان جمال ذوالجلال از عاکفان امکانہ ضلال و اضلال از یکدیگر مفصول و ممتاز شوند.... سبب ... همین شئونات فصل و تمیز بوده (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۶۹)

و اما امتحانات؛ اجتناب ناپذیر است ... لذا، آیا ممکن است نفسی از امتحانات الهیه مصون باشد؟ لا والله الحق. در آن حکمتی است کہ جز اهل علم و حکمت بر آن واقف نہ. اگر امتحانات نبود ذهب ابریز از زر مغشوش تمایز نمی یافت. اگر امتحان نبود، نفس شجیع و شهیم از خائف و جبون تمیز داده نمی شد. اگر امتحان نبود، نفوس باوفا از بی وفایان متمایز نمی شدند. (ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء / نجم باختر، سال هشتم، ص ۲۳۹)

---

<sup>۱۱</sup> مضمون بہ فارسی چنین است: پس بدانید کہ بلاها و محنت‌ها از ازل سرنوشت برگزیدگان خداوند و احبای او و نیز بندگان وارسته‌اش بوده؛ یعنی کسانی کہ نہ تجارت آنها را از ذکر خداوند باز می دارد و نہ داد و ستد موجب غفلتشان از یاد او می شود؛ آنها کسانی اند کہ سخن نمی گویند مگر وقتی کہ خدایشان سخن گفته باشد و طبق اوامر او رفتار می کنند. این است روش خداوند کہ از قبل بہ آن عمل کرده و در آینده نیز روش او جز این نخواهد بود. خوشا بہ حال کسانی کہ بردباری پیشه می کنند و در بیماری‌ها و شدت‌ها و سختی‌ها شکیبیا هستند و در هر آنچه کہ برایشان پیشامد نماید، زاری و شکوه نمایند و در سبیل صبر و تسلیم رهرو هستند.

<sup>۱۲</sup> مضمون کلام مبارک بہ فارسی چنین است: و بہ ودیعه گذاشت در هر کسی آنچه را کہ بہ آن بشناسد آثار الهی را.

لولا البلايا في سبيلك من أين تظهر مقامات عاشقيك و لولا الرزايا في حبك بأى شيء تُبين شعون مشتاقيك ...  
انيس محبيك دموع عيونهم و مونس مُريدك زفات قلوبهم و غذاء قاصديك قطعات اكبادهم. و (مناجاة،  
ص ۱۰۶) ۱۳

## ۵- فرايند تطهير عالم انساني

به نظر مي رسد از مصائب و بلايائي كه عالم انساني را مبتلا ساخته شاکي هستيد. مرحله تطهير در ارتقاء روحاني انسان اجتناب ناپذير است، زيرا در هنگام عبور از اين مرحله، احتياجات مادي كه بيش از حد در مورد آنها مبالغه شده، به صورت صحيح و واقعي خود را نشان خواهند داد. اگر جامعه عمومي دنيا ياد نگیرد كه براي امور روحاني اهميت بيشتر قائل شود، هرگز شايستگي ورود به عصر زريني را كه حضرت بهاءالله پيش بيني فرموده اند، نخواهد يافت. مصائب و بلايائي فعلي قسمتي از اين جريان تطهير است كه انسان فقط با آنها درس را فرا خواهد گرفت. آنها بايد به ملت درس بياموزند، تا جميع امور را در بُعدي جهاني مشاهده كنند؛ آنها بايد فرد را وادار نمايند كه به سعادت روحاني اش بيش از رفاه مادي اش اهميت بدهد. در چنين جريان تطهيري، كه كل عالم بشري به آلام و اوجاع وحشتناك مبتلا است، اهل بهاء نبايد اميدوار باشند كه مصون بمانند. (ترجمه- مکتوب حضرت ولي امرالله به نامه ۱۴ اکتبر ۱۹۳۱ يکي از احباء؛ مندرج در اخبار امري آمريکا، شماره ۵۸، ژانويه ۱۹۳۲، صفحه ۱)

مبارزه طولاني و جهانگير و مصيبت انگيز توأم با اغتشاش و خرابي عمومي البته ملل را متشنج و وجدان دنيا را تحريك و توده های مردم را بيدار نموده در اصل و مبنای فکر جامعه تغيير اساسی حاصل کرده و عاقبت اعضای خون آلود و منفصل نوع بشر را در هيكل واحد متحدالأعضاء و تجزيه ناپذير می آميزد. (قد ظهر يوم الميعاد، ص ۲۴۰)

---

<sup>۱۳</sup> مضمون بيان مبارك به فارسی چنين است: اگر بلايا در راه تو نبود، شأن و منزلت عاشقانت چگونه آشکار می گشت؟ اگر مصيبت ها در راه محبت تو نبود شأن و مقام مشتاقان تو چسان هويدا می گشت؟ همدم عاشقانت اشک چشمان آنها است و انيس طالبانت آه های پرحسرت قلبشان و غذای کسانی كه قصد کوی تو را دارند قطعات جگر آنها است.

## د - طرق تأثیر امتحانات در رشد روحانی ما

### ۱- به یاد داشتن خداوند و کشف قوه دعا

وقتی انسان مسرور است، ممکن است خدا را فراموش کند؛ اما وقتی حزن حاصل می شود و امواج غموم و هموم احاطه کند، آب سماوی را به خاطر می آورد که قادر است او را از ذلت برهاند و به عزت برساند. (ترجمه - خطابه حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۵۰ Paris Talks)

المقبول، یا الهی، من اقبلَ إِلَیْکَ و المحروم من غفلَ عن ذکرک فی ایامک. طوبی لمن ذاق حلاوة ذکرک و ثنائک. (مناجاة، ص ۱۳۸) <sup>۱۴</sup>

لو تُورثُنِی الجنان کُلَّهَا بدوام نفسک و إِنَّهَا تُشغِلُنِی عن ذکرک فی أقلّ من آن اتركها و لَنْ اَتوجَّهَ إِلَیْهَا أبداً. (مناجاة، ص ۱۳۸) <sup>۱۵</sup>

طیب جمیع علت های تو ذکر من است فراموشش منما. حب مرا سرمایه خود کن و جان بصرو جان عزیزش دار. (کلمات مکنونه، شماره ۳۲ / مجموعه الواح مبارکه، طبع مصر، ص ۳۸۳)

### ۲- انقطاع از عالم مادی

لو تكون الدنيا باقیه بدوام ملکوتک لاینبغی أن یتوجَّهَ إليها من شرب خمر الوصال من آیادی رحمتک، فکیف بعد علمه بفنائها وایقانه بزوالها و إنَّ تغییرها و تغییر ما فیها فی کلّ الأحيان لبرهان علی انعدامها. (مناجاة، ص ۸۳) <sup>۱۶</sup>

<sup>۱۴</sup> مضمون به فارسی چنین است: ای خدای من، هر آن کس که به توری آورد، پذیرفته است و هر آن کس که از ذکر تو در ایام تو غافل ماند، محروم است. خوشا به حال کسی که شیرینی ذکر و ثنای تو را چشیده باشد.

<sup>۱۵</sup> مضمون به فارسی چنین است: اگر همه بهشت ها به میراث از تو نصیب شود و به دوام حضرتت از آن من گردد و آنقدر مرا به خود مشغول سازد که حتی یک از ذکر تو غافل شوم و از یاد تو باز مانم، هر آینه آنها را رها خواهم کرد و هرگز توجهی به آنها نخواهم داشت.

<sup>۱۶</sup> مضمون به فارسی چنین است: اگر دنیا به دوام ملکوت تو نیز باقی باشد، کسی که باده وصال از دست رحمت تو نوشیده باشد، شایسته نیست که به آن توجه نماید، چه رسد به این که واقف باشد برفنای آن و یقین داشته باشد به زوالش.

هر زمان که در زندگی شخصی، خود را محاط به مسائل و مشکلات عظیمه یافتید ... باید به خاطر داشته باشید که این ابتلائات بخشی از زندگی بشری است؛ و، طبق تعالیم مبارکه یکی از حکمت‌های آن، تعلیم زوال و ناپایداری این دنیا و ابدیت و جاودانگی علائق روحانی است که با خداوند، انبیاء او، و نفوسی که در ایمان به خداوند زنده هستند، برقرار می‌کنیم. (ترجمه - مکتوب ۱۰ فوریه ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امرالله / ص ۴۵۹)

*(Unfolding Destiny)*

أَنْتَ لَمْ تُنَزَلْ عَلَىٰ أَحَدٍ إِلَّا بِمَا أَرَدْتَ لَهُ بِأَنْ تَرْفَعَ دَرَجَاتِهِ فِي رِضْوَانِكَ وَتَثْبِتَ قَلْبَهُ بِأَرْكَانِ قَهَّارِيَّتِكَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا أَنْ لَا يَمِيلَ إِلَىٰ زُخْرُفِهَا وَأَنْتَ لَتَعْلَمُ أَنَّ ذِكْرَكَ فِي كُلِّ شَأْنٍ لَدَيَّ لِأَعْظَمِ مِنْ أَنْ تَمْلِكَنِي مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّهَا. (منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۱۵۴-۱۵۳)<sup>۱۷</sup>

### ۳- غلبه بر نفس پرستی

این امتحان ... زنگ نفس پرستی را از مرآت قلب بزداید تا شمس حقیقت در آن منطبق شود. چه که هیچ حجابی اعظم از نفس پرستی نه و هر قدر این حجاب رقیق باشد نهایت انسان را بالمره محتجب سازد و او را از وصول فیوضاتی ابدیه ممنوع نماید. وقتی نفسی از حبس نفس رهایی یابد، یعنی به آزادی دست یافته است. چه که نفس اعظم حبس است. وقتی این آزادی حاصل گردد، ابداً نمی‌توان او را محبوس ساخت. اگر نفسی با تسلیم و رضا، نه با ملال و اکراه، ناملايمات را بپذیرد، می‌تواند به این آزادی نائل شود. (ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در جلد سوم *Tablets of Abdu'l-Baha*، ص ۳۷۱)

بلايا وسيله است تا قابليت نفسی امتحان گردد و به اعمال است که این قابليت ثابت می‌شود. خداوند بر قابليت و آمادگی او واقف است، اما انسان، که دارای نفس اماره است، پی به عدم قابليت خود نبرد مگر آن که دليلی به او داده شود. در نتیجه وقتی از عهده امتحانات برنیاید، ضعف او در مقابل مفسد برای او آشکار گردد، و این

---

<sup>۱۷</sup> مضمون به فارسی چنین است: به درستی که حضرتت بر هیچکس بلا را نازل نمی‌کنی مگر آن که خواسته باشی درجاتش را در بهشت رضای خود متعالی سازی و قلبش را در زندگی این دنیا، به ارکان قهاریت خود، چنان ثابت و راسخ کنی که ابداً به سوی ظواهر فریبنده و بی‌ارزش این دنیا میل پیدا نکند و تو هر آینه می‌دانی که ذکر و یاد تو در هر حالی و هر وضعیتی نزد من برتر و بالاتر از مالکیت جمیع آن چیزهایی است که در آسمانها و زمین وجود دارد.

امتحانات استمرار یابد تا آن که فرد متوجه ضعف و نقص خویش بشود، و بعد توبه و انابه نماید و سعی کند ضعف خویش مرتفع سازد. همین امتحان با شدت بیشتر تکرار شود، تا ثابت شود که ضعف قبل به قوت تبدیل شده و قدرت غلبه بر شر تثبیت گردیده است. \* ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء، مندرج در نجم باختر، سال ۶، شماره ۶، ص ۴۵)

#### ۴- بخشیدن خود و دیگران

شب و روز در فکر نشر نجات الله باشیم نه تتبع در شبهات و ترویج و تأویل و تشریح متشابهات؛ فکر خویش را به کنار بگذاریم و از کم و بیش چشم پوشیم؛ نه اظهار تألم نماییم نه بهتان تظلم؛ به کلی خود را فراموش نماییم و از خمر عنایت و فناء در جمال ابهی پر جوش و خروش شویم. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۲۹)

ای برادران با یکدیگر مدارا نمایید و از دنیا دل بردارید. به عزت افتخار ننمایید و از ذلت ننگ مدارید. (کلمات مکنونه، شماره ۴۷)

یا ابن الانسان لاتنفس بخطاء أحدٍ ما دمت خاطئاً. (کلمات مکنونه عربی، شماره ۲۷)

#### ۵- همدلی واقعی با دیگران

غالباً بیماری عنصری انسان را به خالقش نزدیک تر می سازد، سبب می شود قلبش از جمیع امیال دنیوی پاک و تهی شود تا رقیق شده نسبت به جمیع نفوسی که در رنج و عذابند دلسوز و شفیق گردد و محب کلیه خلایق شود. اگرچه امراض عنصری انسان را موقتاً متأثر می سازد، اما بر روح تأثیری ندارند. بلکه، در حصول مقاصد الهیه اثر می گذارند؛ یعنی، حساسیت روحانی در قلب او ایجاد خواهد نمود. (ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء / مندرج در *A Journey of Courage*)

چون به عرفان الهی و محبة الله فائز شدی، باید که روح و جمیع شئون حیات عالم را فدا کنی، برای راحتی نفوس هر مشکلی را متحمل شوی و به خاطر محبت احباً در عمق بحر مصائب مستغرق گردی. (ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء / مندرج در صفحه ۶۵ جلد اول *Tablets of Abdu'l-Baha*)

در فکر یکدیگر باشید؛ تمشیت امور یکدیگر دهید؛ غصه یکدیگر خورید؛ افراد ملت را محتاج مگذارید؛ معاونت همدیگر کنید تا کلّ متّحداً متّفقاً حکم يك هيكل پيدا کنید. (بیان حضرت عبدالبهاء - گلزار تعالیم بهایی، صفحه ۲۷۶ / منتخباتی از آثار مبارکه در باره تعلیم و تربیت، صفحه ۷۳)

## ۶- ایثار و فداکاری

ایثار نفس به معنای مقهور ساختن این ماهیت دنی و امیال آن و مسلط کردن وجه ربّانی و شریف‌تر خود بر آن است. نهایتاً، در عالی‌ترین مفهوم خود، ایثار نفس به این معنا است که اراده بل کلّ وجود خویش را به مشیت الهیه تسلیم نماییم تا هر آنچه که اراده‌اش تعلق می‌گیرد با آن عمل نماید. در این حالت او نفس واقعی ما را تطهیر فرموده تعالی می‌بخشد تا به حقیقتی بدیع و نورانی تبدیل شود. (ترجمه - مکتوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۳۸۶)

انسان تا به مقام فدا قدم ننهد، از هر موهبتی محروم گردد و مقام فدا مقام فنا و نیستی است تا هستی الهی جلوه نماید... (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۷۴)

سرّ فدا یا ایثار امری بسیار عظیم و لایتناهی است. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۳۵۳ جلد دوم *Tablets of Abdu'l-Baha*)

## ۷- صبر در مشکلات

ای حزب الله در موارد بلا صبر و سکون و قرار یابید. هر قدر مصائب شدید شود، مضطرب نشوید؛ در کمال اطمینان به فضل حضرت یزدان مقاومت طوفان محن و آلام نمایید. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۶۲)

ولكن لما وَرَدَ في سيلك وحبك ليشكرونك في كل الأحوال و يقولون يا محبوب قلوبنا و المذكور في صدورنا لو  
يمطر علينا من سحاب القضاء سهام البلاء مانجزع في حبك و نشكرک في ذلك لأننا عرفنا و أيقنا بأنك ما قدرت  
لنا إلا ما هو خير لنا؛ و لو تجزع بها في بعض الأحيان أجسامنا، تستبشر بها أرواحنا. (مناجاة، ص ۹۴)<sup>۱۸</sup>

ما نه تنها باید در مورد دیگران صبور و بردبار و بی نهایت متحمل باشیم، بلکه با خویشتن نیز شکیبایی پیشه کنیم و  
به خاطر داشته باشیم که حتی انبیاء الهی نیز گاهی اوقات خسته می شدند و مایوسانه می نالیدند و فریاد می زدند.  
(ترجمه / مکتوب ۲۲ اکتبر ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny*، ص ۴۵۶)

#### ۸- پذیرفتن محدودیت ادراک خویش

مناجات‌هایی که به جهت طلب شفا صادر شده، شامل شفای جسمانی و روحانی هر دو بوده؛ لهذا به جهت  
شفای روحانی و جسمانی هر دو تلاوت نمایید. اگر مریض را شفا مناسب و موافق، البته عنایت گردد. ولی بعضی  
از مریض‌ها شفا از برایشان سبب ضررهایی دیگر شود؛ این است حکمت اقتضای استجاب دعا نماید.  
(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۵۸)

در هر رنج و عذابی می توان معنا و حکمتی یافت. اما یافتن سر حکمت مزبور همیشه آسان نیست. گاهی اوقات  
فقط وقتی که رنج و الم سپری شده از فایده و تأثیر مثبت آن آگاه می شویم. آنچه که انسان شر و بدی تلقی می کند  
غالباً علت برکات لایتناهی مشهود می گردد. و این در اثر میل انسان است که می خواهد بیش از آنچه که در توان  
او است، بداند. فی الحقیقه، حکمت الهی برای همه ما قابل بررسی و فهم نیست و تلاش بیش از حد جهت  
کشف آنچه که همیشه باید برای ما چون سرّی باقی بماند، عملی بیهوده و بی ثمر است. (ترجمه - مکتوب ۲۹ مه  
۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۹۴۴)

---

<sup>۱۸</sup> مضمون به فارسی چنین است: اما، وقتی که وارد شد این بلاها و مصائب در راه و حب تو، هرآینه سپاس گفتند تو را در هر حالی و  
گفتند که ای محبوب قلب ما و مذکور در سینه‌های ما اگر تیرهای بلا از ابرقضا بر ما بیارد در راه محبت تو، ابداً ننالیم و تو را به خاطر آن  
سپاس خواهیم گفت چه که دانستیم و یقین نمودیم که تو برای ما مقدر نکردی مگر آنچه که برای ما بهتر است؛ و اگر به علت این  
مصائب و سختی‌ها گاهی اوقات جسم ما بنالد، روح ما در نهایت مسرت و شادمانی است.



## ۹- تسلیم در مقابل اراده الهی

طوبی لمن اقر بالله و آیاته و اعترف بأنه لا يُسئل عما يفعل؛ هذه كلمة قد جعلها الله طراز العقائد و اصلها و بها يُقبلُ عملُ العاملين... والذى مافاز بهذا الأصل الأسنى و المقام الأعلى تحركه أرياح الشبهات ... من فاز بهذا الأصل قد فاز بالاستقامة الكبرى ... كذلك يعلمكم الله ما يخلصكم عن الریب و الحيرة ... (كتاب اقدس، بند ۱۶۱ و ۱۶۳)<sup>۱۹</sup>

... جعلت مُنتهى وطنِ البالغين اقرارهم بالعجز عن البلوغ الى رفارفِ قدسِ سلطانِ احديتك و مُنتهى مقرّ العارفين اعرافهم بالقصور عن الوصول الى مكان من عز عرفانك. (مناجاة، ص ۶۵)<sup>۲۰</sup>

## ۱۰- رضایت حقیقی

لاتجزعوا فى المصائب و لاتفرحوا؛ ابتغوا أمراً بين الأمرين، هو التذكُّر فى تلك الحالة و التنبُّه على ما يرد عليكم فى العاقبة. (كتاب اقدس، بند ۴۳)<sup>۲۱</sup>

... ثم ارزفهم من بحر الاطمئنان ما يسكن به اضطرابهم. (مناجاة، ص ۱۸۹)<sup>۲۲</sup>

---

<sup>۱۹</sup> مضمون به فارسی: خوشا به حال کسی که اقرار کند به ایمانش به خداوند و آیات او و اعتراف نماید که از خداوند برای آنچه که انجام می دهد سوال نمی شود. این کلمه ای است که خداوند آن را زینت و اصل عقائد قرار داده و با توجه به آن است که اعمال عاملین پذیرفته می شود. کسی که فائز نشود به این اصل متعالی و مقام بلندمرتبه، بادهای شک و تردید او را حرکت می دهد ... کسی که برسد به این اصل هرآینه رسیده است به استقامت کبری... اینچنین خداوند تعلیم داد شما را به آنچه که رهایی بخشد شما را از شک و تردید.

<sup>۲۰</sup> مضمون به فارسی: نهایت درجه وصول نفوس و ارتقاء آدمیان را اقرار به عجزشان از رسیدن به مدارج عالیة قدس عظمت یکتایی ات قرار دادی و بالاترین مقرّ عرفا را اعتراف آنها به ناتوانی از رسیدن به نهانگاه مقدّس عزیز عرفانت مقرر داشتی.

<sup>۲۱</sup> مضمون به فارسی: در مصیبت ها ناله و زاری نکنید و شادی و شادمانی نیز ننمایید. بین این دو حالت را برگزینید که به یاد داشتن من است در آن حالت و بیدار و آگاه شدن است بر آنچه که در آینده، در آخرت، شما را نصیب خواهد شد.

<sup>۲۲</sup> مضمون به فارسی: پس روزی ده آنها را از دریای اطمینان تا تشویش (قلب) آنها ساکن شود و فرو نشیند.

اسألك يا الهی ... بأن تجعل مختاری ما اخترته و مرادی ما أردته لأكون راضياً برضائك و بما قدرته لی بجدك و احسانك. (مناجاة، ص ۴۱) ۲۳

شما نباید به خود آسیبی وارد کنید یا اقدام به انتخار نمایید ... اگر کسی هر زمان که با شداید یا اوضاع پریشان مواجه شود، باید به خود بگوید، "این به زودی خواهد گذشت." سپس به آرامش و سکون خواهد رسید. در جمیع بلاها و مصائب و مشکلات با خود می‌گفتم، "این نیز بگذرد" و سپس صبر و بردباری در پیش می‌گرفتم. (ترجمه - بیان مندرج در *Spiritual Survival*)

## ه - وعود و تضمین‌هایی که در آثار بهائی یافت می‌شود

### ۱- دیدگاه ما فوق‌العاده نسبی است

ابداً امید را از خدا قطع ننما. در هر حال امیدوار باش، زیرا الطاف حق در هر حالت از انسان منقطع نگردد. اگر از جهتی قلت یابد، از جهات سائره کامل است. در هر صورت انسان در دریای الطاف مستغرق است. لهذا در هیچ حالتی نومید مشو؛ امیدوار باش. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۰۰)

### ۲- خداوند وفادار، مهربان، شفیق و رحیم است

فی الحقیقه، در بعضی امور که نوع بشر قادر نیست دلیلی برای آن بیابد، گاهی اراده الهی دخیل است. علل و دلایل معلوم خواهد شد. به خداوند توکل کن و اعتماد داشته باش و تسلیم اراده الهی شو. فی الحقیقه، خدای تو مهربان است؛ شفیق و رحیم است. به لحاظ رحمت و شفقت در تو نظر کند و تو را با دیدگان لطف و مرحمت صیانت فرماید و رحمت خویش بر تو نازل فرماید. (ترجمه / بیان مبارک مندرج در صفحه ۵۹ *Divine Art of Living*) 74

---

<sup>۲۳</sup> مضمون به فارسی: از تو استدعا می‌کنم ای خدای من که قرار دهی آنچه را اختیار می‌کنم همان باشد که تو اختیار کرده‌ای و خواسته‌ام را آنچه که تو خواسته‌ای تا راضی به رضای تو باشم و به آنچه که برای من به صرف جود و احسانت مقدر کرده‌ای.

### ۳- سبقت رحمت الهی بر عدالت او

ای رَبِّ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ وَلَطْفُكَ قَهْرَكَ وَفَضْلُكَ عَدْلَكَ. <sup>۲۴</sup> (مناجاة، ص ۹۴) <sup>۲۵</sup>

لو تَنْظُرُ إِلَى عِبَادِكَ بِمَا اكْتَسَبُوا فِي أَيَّامِكَ لَا يَسْتَحِقُّونَ إِلَّا نَقْمَتَكَ وَعَذَابَكَ وَلَكِنْ أَنْتَ الْكَرِيمُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. لَا تَنْظُرُ يَا إِلَهِي إِلَيْهِمْ بِلِحَظَاتِ عَدْلِكَ بَلْ بِلِحَظَاتِ أَعْيُنِ فَضْلِكَ وَعِنَايَتِكَ. ثُمَّ أَعْمَلْ بِهِمْ مَا يَنْبَغِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ. (مناجاة، ص ۹۵) <sup>۲۶</sup>

### ۴- خداوند فوق طاقت ما امتحان نمی کند

أَنَّهُ لَا يَظْلِمُ نَفْسًا وَلَا يَأْمُرُ الْعِبَادَ فَوْقَ طَاقَتِهِمْ وَأَنَّهُ لَهُو الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (لوح اشرف، مجموعه الواح، ص ۲۱۳) <sup>۲۷</sup>

... لِأَنَّ اللَّهَ مَا كَلَّفَ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا. (مأخذ فوق، ص ۲۱۴) <sup>۲۸</sup>

لِعَمْرِي مَا قُدِّرَ مِنْ قَلَمِ التَّقْدِيرِ لِأَحِبَّائِهِ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ. (بیان حضرت بهاء الله / ظهور عدل الهی، ص ۱۶۸) <sup>۲۹</sup>

---

<sup>۲۴</sup> مضمون به فارسی: ای پروردگار من، پیشی گرفت رحمت تو بر غضبت، لطف بر قهرت و فضلت بر عدلت.

<sup>۲۵</sup> مترجم: بیان حضرت بهاء الله در لوح مبارک رضوان نیز بر همین موضوع تأکید دارد. خطاب از سوی خداوند به مظهر ظهورش است: "لَا تَنْظُرُ الْخَلْقَ إِلَّا بِعَيْنِ الرَّأْفَةِ وَالْوَدَادِ لِأَنَّ رَحْمَتَنَا سَبَقَتْ الْأَشْيَاءَ وَأَحَاطَ فَضْلُنَا الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ." (مضمون: به مردم جز با نگاه مهر و محبت منگر زیرا رحمت ما بر همه چیز سبقت گرفته و فضل ما اهل آسمانها و زمینها را احاطه کرده است.)

<sup>۲۶</sup> مضمون به فارسی: اگر نظر اندازی به بندگان به آنچه که مرتکب شدند در ایامت جز عذاب و مجازات تو نصیبی نبرند، اما تو کریم و دارای فضل عظیم هستی. ای خدای من، به عدالت به آنها منگر، بلکه به دیدگان فضل و عنایت بنگر؛ پس با آنها آنچه که سزاوار جود و کرم تو است معامله کن.

<sup>۲۷</sup> مضمون به فارسی: خداوند به احدی ظلم نمی کند و به بندگان فوق طاقت و توان آنها امر نمی فرماید و به درستی که او بخشنده مهربان است.

<sup>۲۸</sup> مضمون به فارسی: خداوند تکلیف نکرده است احدی را به آنچه که فوق توان و طاقت او است.

<sup>۲۹</sup> مضمون به فارسی: قسم به جانم که قلم تقدیر از برای احببایش جز آنچه که برای آنها بهتر است، مقدر نفرموده است.

تَنْظُرُ أَحْبَابَكَ بِلِحْظَاتِ أَعْيُنِ الطَّافِكِ وَلَا تُنْزِلُ لَهُمْ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ بِفَضْلِكَ وَمَوَاهِبِكَ. (مناجاة، ص ۱۶۱) ۳۰

#### ۵- روح از بیماری‌های جسمی و روحی متأثر نیست

معلوم آنجناب بوده که روح در رتبه خود قائم و مستقر است و این که در مریض ضعف مشاهده می‌شود به واسطه اسباب مانعه بوده؛ و الا در اصل ضعف به روح راجع نه ... مریض در حالت مرض، ظهور قدرت و قوت روح به سبب اسباب حائله ممنوع و مستور. ولکن بعد از خروج از بدن به قدرت و قوت و غلبه‌ای ظاهر که شبه آن ممکن نه. (اقتدارات، ص ۶۹)

#### ۶- دعا قوه واقعی است، گو این که مشاهده نمی‌شود

... چاره نیست جز این که رجوع به روحانیات بکنیم. وقتی که از مادّیات نهایت تنگدلی حاصل گردد، انسان توجه به روحانیات می‌کند، زائل می‌شود. انسان وقتی در نهایت مشقت، نهایت یأس، می‌افتد، چون به خاطر آید خدای مهربان دارد، مسرور می‌شود. (خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۹۹)

اگر دعا مبرم و فوری باشد، خداوند دعای هر بنده‌ای را اجابت می‌کند. رحمت او وسیع و لایتناهی است. او ادعیه کلیه بندگان را اجابت می‌فرماید ... اما ما آنچه را که حکمت الهیه برای ما اقتضا نمی‌کند می‌خواهیم و هیچ جوابی برای ادعیه خود نمی‌گیریم. حکمت او آنچه را که ما آرزو داریم تأیید نمی‌کند ... اما هر آنچه که تقاضا نماییم و موافق حکمت الهی باشد یقیناً خداوند اجابت خواهد کرد. (ترجمه - خطابه ۵ اوت ۱۹۱۲ در دوبلین)

همه به سهولت و سرعت توفیق تسلط و غلبه بر نفس را نمی‌یابند. آنچه که هر یک از آحاد مؤمنین، اعم از قدمای احباب یا مصدّقین جدید، باید متوجه شوند این است که امر الهی حائز قوه روحانی برای خلق جدید ما هست مشروط بر آنکه سعی کنیم امکان تأثیر و نفوذ قوه مزبور را فراهم آوریم و در این سبیل تشبث به ذیل دعا و مناجات بیشترین تأثیر را دارد. (ترجمه - مکتوب ۲۷ ژانویه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۳۹۴)

---

۳۰ مضمون به فارسی: می‌نگری احبایت را به دیدگان لطف و به فضل و موهبت خود فرو نمی‌فرستی بر آنها مگر آنچه که خیر آنها در آن است.

دعا و مناجات از طرف سایرین یقیناً تأثیر دارد. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در نجم باختر، سال هشتم، شماره ۴، ص ۴۷)

#### ۷- امتحانات فقط در عالم مادی هستند

امتحانات الهیه در این جهان است نه در جهان ملکوت. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۸۹)

از روح برای انسان حزن حاصل نمی‌شود ... یعنی قوای روحانیه سبب مشقت و کدورت انسان نمی‌گردد. اگر حزن از برای انسان حاصل شود از مادیات است. اگر از برای انسان خمودت و جمودتی حاصل شود از مادیات است ... حزن انسان، کدورت انسان، از عالم مادیات است؛ یأس و نومیدی از نتایج عالم طبیعت است. پس واضح و مشهود شد که حزن انسان و نکبت انسان و نحوست انسان و ذلت انسان همه از مادیات است. اما از احساسات روحانیه هیچ ضرری و زیانی و غصه و غمی از برای انسان حاصل نمی‌شود. (خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۹۸)

از بلایا و محنی که بر تو وارد شده مکدر مباش. جمیع مصائب و بلایا از برای انسان خلق شده است تا انسان از این جهان فانی نفرت کند؛ چه که نهایت تعلق به دنیا دارد. چون به زحمت و مشقت بسیار گرفتار شود، طبیعت نفرت کند و توجه به خدا نماید و جهان باقی طلبد که از جمیع مصائب و بلایا میرا است. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۳۱)

#### ۸- دلایل رنج‌های ما در عالم بعد معلوم می‌شود

روح انسانی چون از این خاکدان فانی به جهان رحمانی پرواز نماید، پرده برافتد و حقایق آشکار گردد، جمیع امور مجهوله معلوم شود و حقایق مستوره محسوس گردد. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۷۳)

مایوس مباش، مغموم مگرد، به رحمت الهی خشنود گرد؛ چون مصائب و مسائل دنیا احاطه کند محزون مشو؛ چه که منتهی شود و در قرون و اعصار، بل دهور و ادوار ابدیت یابی و جاودان شوی. (ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء، مندرج در ص ۱۷۷ جلد اول *Tablets of Abdu'l-Baha*)

... چون از این عالم به عالم دیگر رحلت کرد، آنچه در این عالم مستور بوده، در آن عالم مکشوف گردد. در آن عالم به نظر بصیرت جمیع اشیا را ادراک و مشاهده خواهد نمود. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۶۷)

#### ۹- حتی در این جهان از منافع امتحانات بهره می‌بریم

ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود، فی الجمله، امور بر خلاف رضا از جبروت قضا واقع شود، دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالم‌های قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است. البته به جمیع آنها رسیده و فائز گردید. (دریای دانش، ص ۱۲۵)

اگر در حیات یومیه مشکل رخ گشاید، عنقریب پروردگار آنچه را که سبب خشنودی نوست عنایت فرماید. در اوقات مصیبت و بلا صبور باش؛ هر حدت و شدتی را با دلی مسرور، روحی مستبشر و لسانی فصیح در ذکر حضرت رحمن، متحمل شو. فی الحقیقه این است حیاتی توأم با رضایت، وجود روحانی، سکون معنوی، موهبتی الهی و مائده‌ای اسمانی. عنقریب پروردگار ضیق تو را در همین عالم وسعت بخشد و عُسْر را به یُسْر بدل کند. (ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۹۸ جلد اول *Tablets of Abdu'l-Baha*)

#### ۱۰- پذیرفتن اراده الهی به سعادت حقیقی منجر می‌شود

ابتلائات و مشکلات ناشی از عدم رضایت به مقدرات الهیه است. اگر نفسی تسلیم اراده الله گردد، مسرور شود ... وقتی انسان در سیل تسلیم و رضا سالک شود، آنچه که خواسته او است همان شود. (ترجمه / بیان منسوب حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۵۹ دفتر خاطرات ژولیت تامپسون)

قناعت ثروت حقیقی است. اگر نفسی به صفت قناعت متصف شود، مستقل گردد و از هر وابستگی رهایی یابد. وقتی نفسی قانع باشد نه به فقر اعتنایی دارد و نه به ثروت. در مدارجی عالی تر از آنها حرکت کند، از نفوذ و تأثیر آنها مصون گردد و نسبت به آنها بی‌اعتنا باشد. (منسوب به حضرت عبدالبهاء؛ زرو آتش، انگلیسی، ص ۱۷۱)

انسان باید به نحوی زندگی کند که عندالله مقبول، نزد ابرار و احرار محبوب و نزد جمیع نفوس ممدوح و مستحسن باشد. هر نفسی که به این مقام نائل گردد مائده سعادت ابدیه در پیش روی او گسترده شود. قلب او ساکن و آرام شود چه که خود را مقبول ساحت اعلی و محبوب درگاه کبریا یابد. روح او در نهایت مسرت و حبور گردد حتی اگر

محاط به کوهی از بلایا و مشکلات باشد. مثل دریایی است که سطح آن موج و متلاطم است، اما عمقش آرام، ساکن و بی حرکت. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۶۰ *Spiritual Survival*)

# سرفدا

سرفدا یا ایثار امری بسیار عظیم و لایتناهی است. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء

مندرج در صفحه ۳۵۳ جلد دوم *Tablets of Abdu'l-Baha*)

جانفشانی موهبت باهر [است] (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۲۳۷)



## محتوای مطالب "سرّ فدا"

۲۷	الف - رنج بردن و ایثار کردن
۲۷	۱- عمومیت رنج
۲۷	۲- روش خداوند در رابطه با مؤمنین
۲۸	۳- اصل استقامت کبری
۲۸	۴- یادگیری ایثار: یکی از اهداف رنج
۲۹	ب - سرّ فدا
۲۹	۱- معنای فدا یا ایثار
۳۰	۲- فدا کردن خویش
۳۱	۳- ایثار و وفا
۳۲	۴- فدا و ایثار
۳۳	۵- قانون ایثار
۳۳	ج - مظاهر ظهور الهی و قانون ایثار
۳۳	۱- مظهر ظهور الهی
۳۳	۲- حضرت عیسی مسیح
۳۴	۳- حضرت ابراهیم و حضرت محمد
۳۴	۴- حضرت باب
۳۴	۵- حضرت بهاء الله

۳۵	د - مؤمنین و قانون ایثار
۳۵	۱- حضرت عبدالبهاء، مَثَلِ اعلی
۳۵	۲- آحاد مؤمنین
۳۶	ه - پیامدهای ایثار
۳۶	۱- تبدیل مساعی شخصی به صفات روحانی
۳۷	۲- تأثیر مثبت روحانی بر دیگران
۳۸	۳- معنی دادن به امتحانات و مشکلات
۳۹	۴- رها سازی قوای روحانی در جهان

## الف - رنج بردن و ایثار کردن

### ۱- عمومیت رنج

مصائب، از هر نوع که باشد، به نظر می‌رسد بخشی از انسان در این جهان است. حتی، نفوس محبوب خداوند، یعنی انبیاء الهی، ابداً از امراضی که در دنیای ما مشهود است، معاف نبوده‌اند؛ فقر، بیماری، محرومیت - به نظر می‌رسد قسمتی از صیقلی است که خداوند برای خالص‌تر کردن ما، برای این که بتوانیم صفات او را بیشتر منعکس سازیم، به کار می‌برد. تردیدی نیست که در آتیۀ ایام، وقتی اساس جامعه طبق نقشۀ الهی گذاشته شود، و انسانها واقعاً روحانیت یابند، بخش اعظم امراض و مسائل ما معالجه و رفع خواهد شد. ما که امروز رنج می‌بریم و زحمت می‌کشیم، راه را برای جهانی به مراتب بهتر آماده می‌سازیم، و این آگاهی باید حفظ شود و ما را در اثر امتحانات تقویت نماید. (ترجمه - مکتوب ۳ مارس ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء / انوار هدایت، شماره ۲۰۴۹)

### ۲- روش خداوند در رابطه با مومنین

فاعلموا بأنّ البلیا والمحن لم یزل کانت موکّلة لأصفیاء الله و احبّائه ثمّ لعبادة المنقطعین الذین لاثلهیم التجارة ولا یبع عن ذکر الله ولا یسبقونه بالقول و هم بأمره لمن العالمین. کذلک جرت سنّه الله من قبل و یجری من بعد. فطوبی للصابرین الذین یصبرون فی البأساء و لن یجزعوا من شیء و کانوا علی مناهج الصبر لمن السالکین. (سورة الملوک؛ الواح نازله خطاب به ملوک و روسای ارض، ص ۲۸)<sup>۳۱</sup>

---

<sup>۳۱</sup> مضمون به فارسی: پس بدانید که بلاها و محنت‌ها از ازل سرنوشت برگزیدگان خداوند و احبّای او و نیز بندگان وارسته‌اش بوده؛ یعنی کسانی که نه تجارت آنها را از ذکر خداوند باز می‌دارد و نه داد و ستد موجب غفلتشان از یاد او می‌شود؛ آنها کسانی‌اند که سخن نمی‌گویند مگر وقتی که خدایشان سخن گفته باشد و طبق اوامر او رفتار می‌کنند. این است روش خداوند که از قبل به آن عمل کرده و در آینده نیز روش او جز این نخواهد بود. خوشا به حال کسانی که بردباری پیشه می‌کنند و در بیماری‌ها و شدت‌ها و سختی‌ها شکیا هستند و در هر آنچه که برایشان پیشامد نماید، زاری و شکوه نمایند و در سبیل صبر و تسلیم رهرو هستند.

قد سَمِعْنَا ضَجِيحَكَ وَ حَنِينَكَ فِي بُعْدِكَ عَنْ مَطْلَعِ الْأَنْوَارِ أَنْ اصْبِرْ وَلَا تَجَزَعْ. فَارْضَ بِمَا قَضَى اللَّهُ لَكَ وَ إِنَّهُ لِمَوْفَى أَجُورِ الصَّابِرِينَ. أَمَا رَأَيْتَ سَجْنِي وَ بِلَائِي وَ ضُرِّي وَ ابْتِلَائِي؟ أَنْ اتَّبِعَ سَنَنَ رَبِّكَ وَ إِنَّ مِنْ سُنَنِهِ ابْتِلَاءَ عِبَادِهِ الْأَخْيَارِ. (بهجت الصدور، طبع آلمان، ۲۰۰۲ میلادی، ص ۸۹ / طبع قدیم، ص ۹۷-۹۶) ۳۲

### ۳- اصل استقامت کبری

طوبى لمن اقر بالله و آياته و اعترف بأنه لا يُسئلُ عما يفعلُ؛ هذه كلمة قد جعلها الله طراز العقائد و اصلها و بها يُقبلُ عملُ العاملين... مَنْ فاز بهذا الأصل قد فاز بالاستقامة الكبرى ... كذلك يعلمكم الله ما يخلصكم عن الرِّيب و الحيرة و ينجيكم فى الدنيا و الآخرة... (كتاب اقدس، بند ۱۶۱ و ۱۶۳) ۳۳

### ۴- یادگیری ایثار: یکی از اهداف رنج

آلام دیگری هم هست که بر احبای خدا نازل می شود. فی المثل، احزان عظیمه که مسیح و حواریون متحمل شدند ملاحظه نمایید. نفوسی که بیشتر در معرض آلام باشند، به مدارج بالاتری از کمال نائل می شوند. نفوسی که اظهار می دارند مایلند به خاطر مسیح مبتلا به درد و رنج شوند، باید خلوص و صداقت خود را ثابت کنند؛ نفوسی که اظهار اشتیاق می کنند که ایثار عظیم داشته باشند فقط با اعمال خودشان حقیقت کلامشان را اثبات می کنند. (ترجمه / خطابه ۲۷ اکتوبر حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۵۰ Paris Talks)

این طلب طالب را حاصل نشود مگر به نثار آنچه هست؛ یعنی آنچه دیده و شنیده و فهمیده همه را به نفی "لا" منفی سازد تا به شهرستان جان که مدینه "الا" است واصل شود. همّتی باید تا در طلبش کوشیم و جهدی

---

۳۲ آه و ناله‌ات را که از دوری از مظهر ظهور و مطلع نواز بن جان برآوردی شنیدیم. شکیبایی پیشه کن و زاری منما؛ راضی باش به آنچه که خداوند از برای تو مقدر فرموده و او است کسی که اجر شکیبایان را ادا می فرماید. آیا ندیدی زندان مرا، بلایا مرا، لطماتی که بر من وارد و گرفتاری ام را؟ پس پیروی کن از روش پروردگارت و به درستی که از روش های او همانا گرفتار کردن بندگان نیکویش است.

۳۳ مضمون به فارسی: خوشا به حال کسی که اقرار کند به ایمانش به خداوند و آیات او و اعتراف نماید که از خداوند برای آنچه که انجام می دهد سوال نمی شود. این کلمه ای است که خداوند آن را زینت و اصل عقائد قرار داده و با توجه به آن است که اعمال عاملین پذیرفته می شود. ... کسی که برسد به این اصل هرآینه رسیده است به استقامت کبری... اینچنین خداوند تعلیم داد شما را به آنچه که رهایی بخشد شما را از شک و تردید و نجات می دهد در این دنیا و دنیای بعد.

باید تا از شهد وصلش نوشیم. اگر از این جام نوش کنیم، عالمی فراموش کنیم. (هفت وادی، آثار قلم اعلی، ج ۳، ص ۹۸)

## ب - سرّ فدا

### ۱- معنای فدا یا ایثار

سرّ فدا یا ایثار امری بسیار عظیم و لایتنهای است. خلاصه کلام این است که پروانه خود را فدای شمع کند؛ چشمه فدای انسان تشنه شود؛ عاشق صادق خود را فدای معشوق نماید، و طالب مشتاق خود را فدای مطلوب کند. جوهر مطلب این است: او باید خود را بالمرّه فراموش کند ... باید طالب رضای حق باشد، وجه حق را طالب باشد و در سبیل حق سالک شود ... این اولین مرتبه فدا است. مرتبه دوم فدا این است که انسان باید به مثابه حدید باشد که در نار افکنده می شود. صفات آهن مثل سیاهی، سردی و سختی که به عالم مُلک تعلق دارد نابود شود و از میان برود و صفات آتش مانند سرخی، تابش و حرارت که به ملکوت تعلق دارد مشهود و محسوس گردد. لهذا، آهن خود را فدای صفات و مدارج ناریه نماید و کسب فضائل آن عنصر کند. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۳۵۳ جلد دوم *Tablets of Abdul-Baha*)

حضرت مسیح که کلمه الله بود و خویش را فدا کرد؛ این دو معنی دارد: معنی ظاهری و معنی حقیقی. معنی ظاهری این است که ... به تعلیم و تربیت ناس قیام فرمودند یعنی خود را فدا کردند تا روح حیات بخشند و به جسد فانی شدند تا دیگران را به روح زنده نمایند. اما معنی ثانی فدا این است که حضرت مسیح مانند حبه بود؛ این حبه صورت خویش را فدا نمود تا شجره نشو و نما نماید. هرچند صورت حبه متلاشی شد، ولی حقیقت حبه در کمال عظمت و لطافت به هیأت شجره ظاهر گشت. (مفاوضات، ص ۹۱ و ۹۲)

انسان بایستی کیفیات عالم طبیعت را برای احراز کمالات الهی فدا کند. (خطابه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ / نقل ترجمه از فصل دهم درگه دوست)

سرّ فدا این است که انسان باید جمیع شئون را فدای سنوحات حضرت بی چون نماید. سنوحات ربّانیه رحمت است، محبّت است، عفو است، فدا است، ملاطفت است، مکرمت است، احیاء ارواح است و احتراق نار محبّت در قلوب و جوارح. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء در صفحه ۶۵ جلد اول Tablets)

## ۲- فدا کردن خویش

در آثار بهایی در حقیقت نفس دارای دو مفهوم است یا در دو مفهوم به کار می رود؛ یک نفس به عنوان هویت شخص انسانی آن گونه که خداوند او را آفریده است. این حقیقت در عباراتی نظیر "من عرف نفسه فقد عرف ربه" استعمال گردیده است. نفس دیگر نفس اماره است و آن میراث مظلم و حیوانی است که همه ما آن را داریم و همان طبیعت دون بشری است که می تواند به دیو موحش خودپرستی، خشونت، شهوت و غیره تبدیل گردد. این نفس اماره است که می بایستی علیه آن پیکار کنیم<sup>۳۴</sup> تا روحی را که در وجود ما است تقویت کرده رهایی بخشیم و آن را در نیل به کمال مساعدت نماییم.

ایثار نفس به معنای مقهور ساختن این ماهیت دنی و امیال آن و مسلط کردن وجه ربّانی و شریف تر خود بر آن است. نهایتاً، در عالی ترین مفهوم خود، ایثار نفس به این معنا است که اراده بل کل وجود خویش را به مشیت الهیه تسلیم نماییم تا هر آنچه که اراده اش تعلق می گیرد به آن عمل نماید. در این حالت او نفس واقعی ما را تطهیر فرموده تعالی می بخشد تا به حقیقتی بدیع و نورانی تبدیل شود. (ترجمه - مکتوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۳۸۶)

انسان تا به مقام فدا قدم ننهد از هر موهبتی محروم گردد؛ و مقام فدا مقام فنا و نیستی است، تا هستی الهی جلوه نماید و مشهد فدا میدان انقطاع است تا آیات بقا ترتیل گردد. تا توانید از خود به کلی بیزار شوید و گرفتار آن روی پرانوار؛ و چون به این مقام سجود فائز شوید، من فی الوجود را در ظلّ خویش یابید. این است موهبت کبری؛ این است سلطنت عظمی؛ این است حیات بی منتهی و مادون آن عاقبت خسران مبین است و زیان عظیم. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۷۴)

---

<sup>۳۴</sup> نقل ترجمه تا این قسمت از صفحه ۴۴۷ گلزار تعالیم بهایی / نمونه حیات بهایی، صفحه ۳۶

اما مقصود از این که انسان به کلی خود را فراموش نماید این است که به سرّ فدا قیام نماید و آن محویت احساسات بشریه است و اضمحلال اخلاق مذمومه که ظلمات کونیّه است؛ نه این که صحت جسمانی مبدل به ضعف و ناتوانی شود. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۷۶)

### ۳- ایثار و وفا

یکی از مقتضیات وفا آن که خود را فدا نمایی و در سبیل الهی چشم از هر لذتی بپوشی و به تمام دل و جان بکوشی تا چون قطره‌ای در بحر محبت الهی محو و نابود گردی. (ترجمه، بیان حضرت عبدالبهاء در صفحه ۵۵۲ جلد سوم *Tablets of Abdu'l-Baha*)

چون به عرفان و محبت الهی فائز شدی، لازم است روح و جمیع شئون حیات عالم را فدا نمایی و هر سختی را به خاطر آسایش دنیا تحمل کنی و محض وفا به اعماق بحر بلایا غوطه خوری. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء در ص ۶۵ جلد اول *Tablets of Abdu'l-Baha*)

شان و منزلت امر مبارک مقتضی آن است که انسان به مدارج ایثار صعود نماید و استقامت کند. بدون وصول به این معارج، ایمان انسان به کمال نرسد. احباء باید به اعلی مدارج و معارج ایثار نفس عروج کنند. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در ص ۱۱۸ شماره ۸ سال پنجم نجم باختر)

می توانستی اطمینان داشته باشی که اگر کسی سعی می کرد ایشان [حضرت ورقه علیا] را برنجانند، ایشان مایل بودند او را به علت ستمگری اش تسلی دهند. زیرا محبت ایشان بدون قید و شرط بود، می توانست از هر ظاهر فریبنده‌ای بگذرد، نفوذ نماید و گرسنگی را در زیر نقاب خشم ببیند، و ایشان واقف بودند که ستمکارترین نفس در باطن خویش امیدوار بود در شخص دیگر متانت و مهربانی را بیابد...

ایشان در مقابل ستمگری‌ها و خرده‌گیری‌هایی که در زندگی با آن مواجه می شدند واکنشی به مراتب اعظم از بخشش و گذشت نشان می دادند. رنجه شدن و بخشیدن کار قدیسین است اما آنچه که فراتر از آن است قوه درک است و رنجیده‌خاطر نشدن ... هرگز دیده نشد که گلایه کنند یا بنالند. چنین نبود که بهترین کارها را انجام دهند، بلکه در همه چیز، حتی در نفس مصیبت، آثار حکمتی جاودانی را مشاهده می کردند. ایشان در مقابل لطمات و ناملایمات زندگی مقاومت نمی کردند و با موانع مقابله نمی کردند. هرگز ناشکیبا

نبودند. ایشان همانقدر که نمی‌توانستند ناشکیبا باشند قادر به عصیان نبودند. اما این رنج‌بردن طولانی و شدید نبود زیرا وقوف کامل بود بر قوایی که در اوقات صبر و سکون عمل می‌کرد.

همیشه با ضرب‌آهنگی شدیدتر، حرکتی گسترده‌تر به سوی هدف غایی پیش می‌رفتند. در کمال اعتماد و اطمینان، با تسلیم و رضا، با سازگاری تام، که در نفس ایمان نهفته بود، در مدار خود حول شمس وجودشان حرکت می‌کردند. (عالم بهائی، جلد پنجم، صفحات ۸۵-۱۸۲)<sup>۳۵</sup>

#### ۴- فدا و ایثار

احدی اطلاع بر عنایات خفیه حق و رحمت محیطه او نداشته و ندارد. نظر به عصیان اهل عالم و خطاهای واقعه در آن و مصیبات وارده بر اصفیا و اولیاء، جمیع مستحقّ هلاکت بوده و هستند. ولکن الطاف مکتونه الهیه به سببی از اسباب ظاهره و باطنه حفظ فرموده و می‌فرماید. (مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء‌الله، ص ۳۳۳)

فَانظُرُوا إِلَىٰ هَيْكَلِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ أَنْفَقَ نَفْسَهُ لِإِصْلَاحِ الْعَالَمِ. (منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، ص ۲۰۲)<sup>۳۶</sup>

روحي لُصْرِكِ الْفِدَاءِ وَنَفْسِي لِبَلَائِكِ الْفِدَا. (زیارت‌نامه جمال مبارک و حضرت اعلی)<sup>۳۷</sup>

همینطور وقتی نفوس از قیود این عالم، نقائص عالم انسانی و ظلمت حیوانی آزاد شوند و ... از فیوضات لامکان نصیب برزند و کمالات الهیه کسب کنند، آنها "فدائیان" شمس حقیقتند. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۳۵۴ جلد دوم *Tablets of Abdu'l-Baha*)

---

<sup>۳۵</sup> توضیح مترجم: نویسنده این مطلب خانم مارجوری مورتن از احبای زمان حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله است که به عائله مبارکه بسیار نزدیک و مدتها سردبیر مجله *World Order* بود.

<sup>۳۶</sup> مضمون به فارسی: بنگرید کسی را که هیكل خداوند است بر روی زمین؛ به درستی که او فدا کرد خویش را برای اصلاح عالم.

<sup>۳۷</sup> مضمون به فارسی: روحم به فدای مصیبت‌هایی که تحمل فرمودی و وجودم به فدای بلاهایی که بر خود هموار ساختی.



## ۵- قانون ایثار

عطف به سؤال شما که آیا افراد می‌توانند با قبول آلام و رنجها به‌خاطر یکدیگر، به سایر نفوس مساعدت نمایند، یقیناً این‌گونه فداکاری به‌همنوعان می‌تواند منتج به نتایج مفیده گردد. این قانون ایثار و فداکاری در زندگی ما و نیز حیات مظاهر ظهور الهی جاری و ساری است. (ترجمه - مکتوب ۳۱ مارس ۱۹۳۸ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء/ انوار هدایت، شماره ۴۰۴)

## ج - مظاهر ظهور الهی و قانون ایثار

### ۱- مظهر ظهور الهی

و اما نفوسی که در این جهان تولد یابند و لطیفه‌های نورانی هستند، ولی از شدت گرفتاری از فوائد کلی محروم شوند و از این عالم بروند، حقیقتاً شایان تأسف است و نظر به این حکمت است که مظاهر کلیه در این جهان کشف نقاب کنند و تحمّل هر مشقت و بلا نمایند و خود را فدا فرمایند تا این نفوس مستعده را مطلع انوار کنند و حیات ابدیه بخشند. این است قربانی حقیقی که حضرت مسیح خود را به جهت حیات عالم فدا نمود. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۶۲)

### ۲- حضرت عیسی مسیح

إِعْلَمُ بَأَنَّ ابْنَ الْإِسْلَامِ الَّذِي اسْلَمَ الرُّوحُ قَدْ بَكَتْ الْأَشْيَاءُ كُلَّهَا وَلَكِنْ بِنِفَاقِهِ رُوحُهُ قَدْ اسْتَعَدَّ كُلَّ شَيْءٍ ... كُلِّ حَكِيمٍ ظَهَرَتْ مِنْهُ الْحِكْمَةُ وَكُلِّ عَالِمٍ فُضِّلَتْ مِنْهُ الْعِلْمُ وَكُلِّ صَانِعٍ ظَهَرَتْ مِنْهُ الصَّنَاعُ وَكُلِّ سُلْطَانٍ ظَهَرَتْ مِنْهُ الْقُدْرَةُ كُلُّهَا مِنْ تَأْيِيدِ رُوحِهِ الْمُتَعَالَى الْمُتَصَرِّفِ الْمُنِيرِ.<sup>۳۸</sup> (مائدة آسمانی، ج ۷، ص ۱۳۰ / منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۶۲)<sup>۳۹</sup>

<sup>۳۸</sup> مضمون به فارسی: بدان در آن حین که پسر (حضرت مسیح) جان خویش تسلیم نمود، جمیع اشیاء گریستند اما با انفاق روحش جمیع اشیاء را استعداد بخشید. هر حکیمی که از او حکمت ظاهر شد و هر دانشمندی که از او دانش پدید آمد و هر آفریننده‌ای که صنعتی از او به ظهور رسید و هر سلطانی که قدرت خویش بارز ساخت، همه از تأیید روح متعالی، فراگیر و نورانی او است.

<sup>۳۹</sup> این بیان مبارک در صفحات ۹۳-۹۴ مجموعه اقتدارات نیز درج است اما مختصری تفاوت دارد - م

### ۳- حضرت ابراهیم و حضرت محمد

خلیل الرحمن ... مأمور شدند به ذبح اسمعیل تا آن که ظاهر شود استقامت و انقطاع او در امر الله بین ماسواه و مقصود از ذبح او هم فدایی بود از برای عصیان و خطاهای من علی الأرض چنانچه عیسی ابن مریم هم این مقام را از حق جل و عز خواستند و همچنین رسول الله حسین را فدا نمودند. (مجموعه الواح، ص ۳۳۳)

### ۴- حضرت باب

يُخَاطِبُنِي مِنَ أَعْلَى الْمَقَامِ يَا أَيُّهَا الْمَسْجُونُ نَفْسِي لِسَجْنِكَ الْفِدَاءِ يَا أَيُّهَا الْمَظْلُومُ ذَاتِي لِبَلَاتِكَ الْفِدَاءِ.  
(مناجاة، ص ۳۲) ۴۰

### ۵- حضرت بهاء الله

أَيُّ رَبِّ أَنَا الَّذِي قَبِلْتُ حُبَّكَ وَضُرَّ الْعَالَمِينَ وَفَدَيْتُ نَفْسِي حُبًّا لِأَحْبَابِكَ لِيَصْعُدَنَّ إِلَى سَمَوَاتِ قُرْبِكَ وَ عِرْفَانِكَ وَيَطِيرُنَّ فِي هَوَاءِ حُبِّكَ وَرِضَائِكَ. (مناجاة، ص ۲۲) ۴۱

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي عَلَى مَا فَدَيْتَنِي فِي سَبِيلِكَ وَجَعَلْتَنِي هَدَفًا لِسَهَامِ الْبَلَايَا حُبًّا لِعِبَادِكَ وَ مَرَجَعَ الْقَضَايَا لِأَحْيَاءِ بَرِيَّتِكَ. (مناجاة، ص ۱۰۵) ۴۲

---

۴۰ مضمون به فارسی: از مقام بالا خطاب به من می فرماید، "ای زندانی، من به فدای زندان تو و ای ستمدیده، ذات من برای بلایی که تو تحمل می کند فدا."

۴۱ مضمون به فارسی: ای پروردگار من، روی آوردم به محبت تو و پذیرفتم آسیب های اهل عالم و فدا کردم خود را به محبت دوستان تا عروج کنند به آسمان های قرب تو و عرفان تو و پرواز نمایند در هوای محبت و رضای تو.

۴۲ تو را ستایش می کنم ای خدای من که فدای در راه خودت را به من عنایت فرمودی و مرا هدف تیرهای بلایا در راه محبت بندگانت قرار دادی و محل نزول قضای برای زندگی بخشیدن به بندگان خود مقرر داشتی.

## د - مؤمنین و قانون ایثار

### ۱- حضرت عبدالبهاء، مَثَلِ اعلیٰ

هر نفسی که در اثر تعالیم الهیه تربیت شده و به نور هدایت منیر شده و مؤمن بالله و آیاته باشد و به نار محبّه الله مشتعل گردد، نقائص عالم طبیعت را برای وصول به کمالات ربّانیه فدا و قربان نماید. لهذا، هر نفس کاملی، هر شخص منیری و هر فرد آسمانی در مقام فدا و ایثار قرار گیرد. (ترجمه / خطابه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء)

... و اجعلنی غباراً فی ممرّ الأحبّاء و اجعلنی فداءً للأرض الّتی وطئتها أقدام الأصفیاء فی سبیلک یا ربّ العزّة و العلی. (مجموعه مناجاتهای طبع آلمان، چاپ دوم، ص ۴۸۹) <sup>۴۳</sup>

از سجن این زندانی اظهار حزن و حسرت نامتناهی نموده بودید؛ غم مخور مکدر مباش؛ این زندان ایوان است و این گلخن گلشن لامکان؛ چاه اوج ماه است و قلعه حصین قصر بهشت برین؛ زیرا سرور و حبور به دل است نه به جسم؛ به جان است نه به مکان؛ عبدالبهاء را این تنگی گشایش است و این زحمت رحمت پروردگار و این نعمت کردگار؛ عذاب عذب است و مشقت آسایش و راحت. بلکه نهایت آرزو چنان است که این گردن در تحت سلاسل و اغلال آید و این پا به کند و زنجیر گرفتار شود و در زندان تنگ و تاریک عکّا که تو میدانی منزل و مأوی جوید. این است جنّت فردوس من و گلشن قدس من و محفل انس من... (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۵، ص ۱۳۶)

### ۲- آحاد مؤمنین

در بلایای حضرت ایوب نظر نما؛ چه امتحاناتی؛ چه مصائب و بلیاتی که تحمل فرمود. اما این امتحانات به مثابه نار است و حضرت ایوب به مثابه زر ناب. قطعاً زر چون در نار قرار گیرد خالص شود و اگر غش یا نقصی در او باشد، تطهیر و تنزیه گردد. این است که امتحانات شدیدۀ علّت جلال ابدیه اختیار گردد... (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۶۵۴ جلد سوم *Tablets of Abdu'l-Baha*)

---

<sup>۴۳</sup> مضمون به فارسی: مرا خاک راه دوستان و فدایی برای زمینی قرار ده که پای برگزیدگان در راه تو بر آن قرار گرفته است ای پروردگار عزّت و بلندی.

در سبیل خدمت و ایثار به عالم انسانی طالب فدای جان شوید. حتی عیسی مسیح حیات خود قربانی نمود؛ شما هم جان خود لاجل اصلاح عالم فدا کنید و همانطور که بهاءالله قریب پنجاه سال متحمل مشقات و بلیات عظیمه برای شما گردید، شما هم برای جمیع اهل عالم متحمل مشکلات شوید و مقاومت بلیات نمایید. (ترجمه / خطابه ۲۴ آوریل ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء)

حال ای احبای الهی وقت کوشش و جوشش است؛ همت بگمارید و سعی کنید و چون جمال قدم ... شب و روز در مشهد فداء بودند ما نیز سعی کنیم و جانی نثار نماییم و وصایا و نصایح الهی را به گوش هوش بشنویم و از هستی محدود خود بگذریم و از خیالات باطله کثرات عالم خلق چشم پوشیم و این مقصد جلیل و مقصود عظیم را خدمت کنیم. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۵۴)

اول باید متحد و متفق گردید. باید بی نهایت نسبت به یکدیگر مهربان و شفیق باشید و در سبیل سعادت همدیگر جان قربان نمایید. باید مہیای فدا کردن اموال خود برای دیگری باشید. اهل ثروت باید نسبت به فقرا شفقت داشته باشند و اهل مکنت و رفاه باید از بیچارگان دستگیری کنند ... نهایت آرزوی شما باید تأمین مسرت دیگران باشد. هر یک از شما باید خدمت به سایرین کند، به فکر آسایش و رفاه دیگران باشد. در سبیل الهی باید خود را بالمرّه فراموش کرد. نباید رضای خود را طالب بود بلکه باید تأمین رضایت دیگران کرد. نباید جلال و موهبت را برای خود خواست بلکه باید مواهب و برکات را برای برادران و خواهران طلب نمود. امیدم چنان است که اینچنین باشید تا به اعظم مواهب نائل شوید و چنان به سنوحات روحانیه فائز شوید که خود را بالمرّه فراموش کنید و به دل و جان خود را فدای جمال مبارک کنید. (ترجمه / خطابه ۲۹ ژوئن ۱۹۱۲)

## ه - پیامدهای ایثار

### ۱- تبدیل مساعی شخصی به صفات روحانی

و اما ناملایماتی که در طی ده سال گذشته متحمل شده‌اید، بهترین تسلائی که می‌توانم برای شما در نظر مجسم سازم کلمات مبارکه مکنون است که می‌فرماید، "بلایی عنایتی." ما باید با یکدیگر مدارا نماییم. تنها با آلام و رنجها است که شرافت و علو شخصیت به منصّه ظهور می‌رسد. قوایی که مصروف تحمل و بردباری

نسبت به برخی از نفوس می‌گردد ... هدر نمی‌رود. بلکه به قوت، استقامت و عظمت مبدل می‌شود. حیات حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء بهترین مثال است زیرا این ایثار و فدا در سبیل دین همیشه منجر به نتایج ابدیه گردد. "ققنوس از خاکستر خود برمی‌خیزد."<sup>۴۴</sup> (مکتوب ۳۰ ژوئن ۱۹۲۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۲۰۴۸)

يا أهل الأرض ما من شيءٍ قد أنفقتم في سبيل الله الحق إلا وقد وجدتموه على ایدی الحفیظ فی ذلک الباب محفوظا. (منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۳۱)<sup>۴۵</sup>

## ۲- تأثیر مثبت روحانی بر دیگران

درک این بلیات موقع نزول آنها برای ما مشکل است. نفوس ثابتۀ راسخه بر ایمان واقفند که ید الهی حافظ آنها است و اگر واقعه‌ای با این ماهیت بر آنها نازل شود، لابد بر این است که دلیلی دارد که ممکن است با ارتقاء روحانی نفس مبتلا به آن و ترقیات روحانی و آسایش احبّا در ارتباط باشد؛ یا حتی برای رقت قلوب غیربہائیان باشد که، از نحوه مواجهه احباء با اینگونه مصائب و بلاها، از روح الهی متأثر گردند. (ترجمه / مکتوب ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۹۴۳)

فَوْعَرَّتْكَ يَا مَحْبُوبِي حَيْثُ قَدْ فَدَيْتُ نَفْسِي لِمَظَاهِرِ نَفْسِكَ وَأَنْفَقْتُ رُوحِي لِبِدَائِعِ مَطَالِعِ جَمَالِكَ كَأَنِّي فَدَيْتُ رُوحِي لِرُوحِكَ وَذَاتِي لِدَاتِكَ وَجَمَالِي لَجَمَالِكَ وَأَنْفَقْتُ كُلَّ ذَلِكِ فِي سَبِيلِكَ وَسَبِيلِ أَوْلِيَائِكَ. (مناجاة، ص ۶۹)<sup>۴۶</sup>

---

<sup>۴۴</sup> مترجم: این عبارت را مترجم از فرهنگ سخن (و آن از اسلامی ندوشن) نقل نمود. ققنوس مرغی افسانه‌ای است که هزار سال عمر می‌کند و در پایان عمرش هیزم بسیار جمع می‌کند و بر بالای آن می‌نشیند و آواز می‌خواند و با برهم زدن بالها آتشی پدید می‌آورد که خود در آن می‌سوزد و از خاکسترش ققنوس دیگری به وجود می‌آید. (فرهنگ سخن). در فرهنگ معین آمده که "گویند موسیقی را بشر از آواز او دریافته." معین می‌گوید در انگلیسی مثل‌گونه‌ای است که "هر آتشی ممکن است ققنوسی در بر داشته باشد." شاید بتوان ققنوسی را که هزار سال عمر کرده و خود را در آتش می‌اندازد به انسانی تشبیه کرد که در کوره تجارب و بلاها می‌سوزد و روح پاکش، جوان و رعنا و توانا به اوج آسمان پرمی‌کشد.

<sup>۴۵</sup> مضمون به فارسی: ای اهل عالم هر آنچه را که در راه خدا انفاق کردید، آن را در دروازه قدس الهی خواهید یافت که به دست خداوند حافظ نگهداری شده است.

### ۳- معنی دادن به امتحانات و مشکلات

حضرت عبدالبهاء غالباً می فرمودند احزان مانند خراشی بر سینه زمین است؛ هرچه عمیق تر باشد زمین حاصلخیزتر می گردد. اگر این مسأله ... حل و فصل شود مسائل دیگر رخ خواهد گشود. آیا یاران باید مأیوس گردند یا باید بر اثر اقدام حضرت مولی الوری حرکت کنند و مشکلات را فرصت‌هایی برای نشان دادن پایمردی خود در ثبوت بر اعتقاد و نیز روح ایثار بدانند؟ (ترجمه / بیان حضرت ولی امرالله / ۲۸ دسامبر ۱۹۲۵ / صفحه ۴۲۱ *Unfolding Destiny*)

آرامش خاطر با متمرکز کردن ضمیر و باطن روحانی بر رسول الهی حاصل می شود؛ لذا، شما باید به مطالعه تعالیم روحانیّه بپردازید و کوثر حیات را از بیانات مبارکه کسب نمایید. بعد، با ظهور و بروز این آرمانهای متعالیه در حیز عمل، خصلت و شخصیت شما بالمره متحول خواهد شد، و فکر و خاطر شما نه تنها آرامش خواهد یافت، بلکه کل وجود شما معنای مسرت و شور و اشتیاق را در خواهد یافت. (ترجمه - مکتوب ۱۴ اکتبر ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء / انوار هدایت، شماره ۳۸۱)

### ۴- رهاسازی قوای روحانی در جهان

لو یسترون النور فی البرّانه یظهر من قطب البحر ویقول ائی محیی العالمین. (کتاب مبین، ص ۴۱۹)<sup>۴۷</sup>

در ابلاغ این پیشرفت شگفت‌انگیز از ذکر تأثیر روحانی و اجتماعی حوادث ده‌ساله اضطهادات و تضییقاتی شدید که بر خواهران و برادران ایران ما وارد آمده، نمی توان غافل ماند. فقط در آینده نتایج کامل فداکاری آن عزیزان معلوم و آشکار خواهد گشت. ولیکن ما می توانیم این تأثیر را در موقّیت خارق‌العاده‌ای که در اعلان امرالله نصیب شده و در ایجاد روابط حسنه با مقامات دولتی و سازمانهای مهم غیردولتی در سراسر جهان ملاحظه کنیم. (پیام رضوان ۱۴۶ بدیع بیت العدل اعظم)

---

<sup>۴۶</sup> مضمون به فارسی: قسم به عزت تو ای محبوب من در این حین فدا کردم خود را برای مظاهر نفس تو و انفاق کردم روحم را برای بدایع مطالع جمال تو، انگار که فدا کردم روحم را برای روح تو و ذاتم را برای ذات تو و جمالم برای جمال تو و انفاق کردم تمام اینها را در راه تو و راه دوستان.

<sup>۴۷</sup> مضمون به فارسی: اگر نور را در خشکی پنهانش سازند از وسط دریا سر برآورد و بگوید من زندگی بخش به جهان‌یانم.

بی تردید یاران ارجمند امریکا که به اعطای عنوان "اخلاف روحانی مطالع الأنوار" مباحی و مفتخر گشته‌اند، به خوبی واقفند که حال باید از فرصت‌هایی که در این برهه حسّاس و بحرانی در اختیار دارند استفاده نمایند تا قابلیت خود را برای زندگانی به نحوی که به فرموده حضرت ولی امرالله در مقایسه با موت حکم شهادت داشته باشد به ثبوت رسانند. زیرا تحقّق سرنوشت شکوهمندی که در آثار مقدّسه بهائی پیش‌بینی شده مستلزم تحمّل چنان نحوه‌ای از زندگانی است. امید چنان است که به آن یاران روحانی قوّتی آسمانی عنایت شود تا از امتحانات ذهنی و روانی که به فرموده حضرت عبدالبهاء کراراً جهت تطهیر روحانی آنان برایشان نازل خواهد شد به سلامت بگذرند و موفق شوند استعدادی را که حق به عنوان نیرویی جهت تقلیب جهان بدانان عطا فرموده احراز نمایند. (پیام ۱۹ مه ۱۹۹۴ بیت‌العدل اعظم به محفل ملی امریکا)

انسان باید خودخواهی خویش فراموش کند تا به مقام ایثار و فدا نائل گردد. به این مقام باید چنان واصل گردد که اگر بخوابد جهت احراز لذّات نباشد، بلکه جسم را استراحت دهد تا بهتر عمل کند، بهتر صحبت کند، با فصاحت بیشتر توضیح دهد، بندگان خدا را خدمت کند و به اثبات حقایق پردازد. وقتی که بیدار می‌ماند، باید مترصد باشد، امر الهی را خدمت کند و شئون خود را فدای شئون الهی نماید. وقتی به این مقام و منزلت نائل گردد، تأییدات روح القدس یقیناً به او برسد و نفسی که دارای این قوّه است می‌تواند در مقابل جمیع اهل ارض مقاومت نماید. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء در ص ۴۵۹ جلد دوم *Tablets of Abdul-Baha*)

یک عمل پاک را<sup>۸</sup> از افلاک بگذرانند و بال بسته را بکشاید و قوّت رفته را باز آرد. (اشراقات، ص ۲۷۹)

---

<sup>۸</sup> توضیح مترجم: در ترجمه انگلیسی حضرت ولی امرالله بعد از "پاک" واژه "خاک" وجود دارد که جمله را به این صورت در می‌آورد: "یک عمل پاک خاک را از افلاک بگذرانند..."